

دکتر عبدالکریم گلشنی

تشکیلات آموزشی ایران در دوره صفویه

مکتب خانه

کتابهای درسی و مقررات انضباطی آن

۱- کتابهای درسی

کتابهای درسی عصر صفوی را - چه آنهایی که در مکتب مورد استفاده قرار میگرفتند و چه آنها که در مدرسه تدریس میشدند - بندرت میتوان در منابع اصلی این دوره که گاهگاه اشاراتی به مواد درسی میشود، یافت. منابع مهم مورد استفاده عبارتند از: تذکرهها، فهرست نامه های کتب خطی، سفرنامه های سیاحان اروپائی که در این دوره به ایران مسافرت کرده اند و بالاخره شرح حال علماء.

مواد درسی در مکتب شامل خواندن، نوشتن، تعلیم قرآن، نماز، احکام

دین ، حساب صرف زبان عربی ، قرائت متون ادبی و تاریخی و رسالاتی در منطق میباشد .

التاریوس در سفرنامه اش می نویسد: «به مجرد اینکه کودکان از شناختن حروف و آموختن کلمات فارغ میشوند، شروع به تعلیم چند سوره منتخب از قرآن می کنند و پس از آن بتدریج تمام قرآن را فرامیگیرند.» (۱)

شهید ثانی در منیة المرید (۲) و شاردن در سیاحتنامه اش (۳) هر یک به نحوی قول التاریوس را در اینمورد تأیید میکنند و عقیده دارند که نخستین مرحله درس در مکتب با قرائت قرآن آغاز میشود .

«بعد از فراغت از قرآن، می پردازند به گلستان و سپس به بوستان شیخ سعدی که هر دو از مشهورترین و دلپسندترین متون ادبی و درسی آنها بشمار میروند . (۴) پس از اتمام این دو کتاب ، دیوان حافظ شیرازی را که مانند بوستان به نظم سروده شده است میخوانند . (۵)

بجز اینها ، کتابهای دیگری نیز در زمینه شعر و شاعری به شاگردان مکتب تعلیم داده میشد تا از مطالعه و حفظ اشعار دو اوین شعراء ، طبع شعر در آنان تحریک و تقویت گردد. چنانچه «ملاعلی رضا» در مکتب خانه دیوان ظهیری اثر ظهیرالدین ابوالفضل طاهر بن محمد فاریابی (متوفی ۱۲۰۱/۵۹۸) را خواند و «طبعش به شعر مایل شد.» (۶)

محمد علی حزین لاهیجی (متوفی ۸۱-۱۱۸۰/۶۷-۱۷۶۶) یکی از شعرای

۱ - التاریوس ، ص ۶۱۳

۲ - منیة المرید ، ص ۱۵۵ و ۲۴۱

۳ - شاردن ، ج ۴ ، ص ۲۲۴

۴ - در این دوره ، گلستان سعدی بقدری مورد توجه و علاقه ایرانیان بوده است که بگفته

دمحسناى شیرازی، یکی از شعرای عصر صفوی ، «سواد خوانی اطفال از گلستان است.»

(تذکره نصرآبادی ، ص ۳۸۳)

۵ - التاریوس ، ص ۶۱۳

۶ - تذکره نصرآبادی ، ص ۴۲۷

معروف این دوره در تذکرة الاحوال خود بهنگام شروع به تحصیل مینویسد :

«... در دو سال سواد خوانی و خطی میسر آمده ... کتب فارسی بسیار از نظم

و نثر خواندم ...» (۱)

الثاریوس دیوان انوری متعلق به اوحدالدین محمد انوری (متوفی

قرن ششم / قرن دوازدهم) و همچنین بهارستان نورالدین عبدالرحمن جامی

(متوفی ۴۹۲/۸۹۸) را جزء کتب درسی می‌شمارد . (۲) «جامی این کتاب را به

تقلید از گلستان سعدی برای فرزند ده ساله اش ضیاءالدین در سال ۱۴۸۷/۸۹۲ بعنوان

يك كتاب درسی تألیف کرد و آنرا به سلطان حسین بایقراء (متوفی ۱۵۰۶/۹۱۱)

تقدیم نمود.» (۳)

به عقیده الثاریوس :

«بعد از خواندن و نوشتن، مقدمات علم حساب به شاگردان تدریس میشود.» (۴)

«برخی از اطفال سیاق نیز می‌آموختند که همان علم حساب است با کلمات

مخفف عربی که ظاهراً از روی علائم پهلوی در حدود هشتاد هجری برای نوشتن

دفاتر دیوان وضع گردید (۵)»

شاردن يك فصل از سفرنامه‌اش را اختصاص به مبحث حساب داده و با ذکر

جزئیات گزارش میدهد که ایرانیها چگونه و به چه نحو «علم العدد یا علم الحساب یا

علم الارثماطیقی» را فرا میگیرند . (۶)

بطور قطع کتابها و رسالات دیگری نیز وجود داشت که در مکتب تدریس میشد

و اکنون آگاهی درستی از آنان در دست نیست . اما تعداد بیشماری متون درسی

ساده فارسی سراغ داریم که برخی از آنها طبق يك سنت تعلیماتی قدیم تا اوایل قرن

۱ - کلیات حزین ، ۱۰ - ۱۱ - ۲ - الثاریوس ، ص ۶۱۸ - ۶۱۹

۳ - تاریخ فرهنگ ایران ، ص ۲۰۷ - ۲۱۶

۴ - الثاریوس ، ص ۶۱۸

۵ - تاریخ فرهنگ ایران ، ص ۳۶۴

۶ - شاردن ، ج ۴ ، ص ۲۸۸ - ۲۹۹

حاضر در مدارس و مکتب خان‌ها های قدیم تدریس می‌شدند و چون مؤلفین این کتب درسی از دوره صفویه و یا قبل از صفویه بوده‌اند بنابراین می‌توان بر اساس یک حدس علمی قبول کرد که این کتابها یا در زمان حیات نویسندگان آنها و یا کمی بعد از وفات آنان که شهرت علمی‌شان اعتبار یافت جزو کتب درسی محسوب می‌شدند. بعنوان مثال چند نمونه از این کتابها را که به فارسی برای مبتدیان علوم تألیف شده‌اند و جزو کتب درسی مکتب بشمار می‌روند ذکر می‌کنیم .

نصاب الصبیان

از ابونصر بدرالدین بن ابی بکر فراهی (متوفی ۶۴۰/

۱۲۴۲-۳) کتابی است در لغت عربی بفارسی و منظوم. مؤلف

بمنظور سهولت تعلیم زبان عربی ، کلمات و مفردات لغت

عرب را مترادفاً به فارسی آورده است. وی از مردم شهر فراه-

سیستان و کور مادرزاد و شاعری با فراست و زیرک بوده است (۱)

از میرو سید شریف جوزجانی (متوفی ۸۱۶/۱۴۱۳) رساله ایست

در صرف زبان عربی که برای نو آموزان این زبان تحریر شده

است . (۲)

صرف میر

مؤلف دو رساله دیگر نیز در منطق تألیف کرده است بنام

صغری (۳) و کبری (۴) که هر دو جزو کتب درسی و برای

مبتدیان این علم نوشته شده است .

کتاب «تاریخ فرهنگ ایران» (۵) نام بعضی از کتب درسی

۱- کشف الظنون ، ج ۲ ، ستون ۱۹۵۴ ؛ فرهنگ‌های عربی بفارسی ، ص ۸۴ - ۱۲۱

تاریخ ادبیات عرب ، ج ۲ ، ص ۱۹۳ ، تکمله ج ۲ ، ص ۲۵۸ ؛ تاریخ منقول ، ص ۵۱۶

۲- کشف الظنون ، ج ۲ ، ستون ۴۱۲ ؛ تاریخ ادبیات عرب ، تکمله ج ۲ ، ص ۳۰۶

۳- ریحانة الادب ، ج ۲ ، ص ۳۲۳

۴- همانجا

۵- تاریخ فرهنگ ایران ، ص ۳۶۳

مکتب را که در قرون اخیر معمول بود بدون ذکر مأخذ و زمان دقیق تدریس آنها بشرح زیر آورده است . (در اینجا سعی میشود درباره هر يك از آنها که احتمالاً جزء کتب درسی دوره مورد مطالعه ما بوده اند توضیح بیشتری داده شود و ضمناً از تکرار آن کتابهایی که قبلاً ذکر شده اند خودداری گردد.)

صد کلمه حضرت امیر (۱) منتخب از نهج البلاغه منسوب به علی ابن ابیطالب (ع) به عربی و ترجمه آن بفارسی .

نان و حلوا از بهاء الدین محمد عاملی معروف به شیخ بهائی (متوفی ۱۰۳۱/۱۶۲۱) . این يك مثنوی انتقادی است با ابیاتی به عربی که شاگردان مکتب آنرا حفظ میکردند .

موش و گربه اثر نظام الدین عبید زاکانی (متوفی ۷۷۲/۱۳۷۱) شاعر شوخ طبع قرن هشتم که این منظومه انتقادی و فکاهی آن شامل ۹۶ بیت میباشد . کودکان اشعار موش و گربه را با دلچسبی فراوان از بر میکردند .

بند نامه عطار از شیخ فرید الدین محمد عطار نیشابوری از عرفا و شعرای مشهور (متوفی ۲۷ - ۶۱۷/۲۹ - ۱۲۲۰) .

حسین کرد (۲) از نویسندگانی مجهول ، کتابی است در قصه و سرگرمی برای عوام و شامل حوادثی از دوره صفویه که بسیار رایج بوده است .

خاورنامه از محمد بن حسام الدین معروف به ابن حسام (متوفی ۷۱/۸۷۵ - ۱۴۷۰) منظومه ایست در مناقب علی ابن ابیطالب (ع) و وصف سجایای عالیه و صفات مردانه وی .

۱ - فهرست کتابخانه اهدائی آقای سید محمد مشکوة به کتابخانه دانشکاه تهران ، ج ۳ ،

از کمال‌الدین حسین بن علی واعظ کاشفی (متوفی ۵/۹۱۰ - ۱۵۰۳) «این کتاب درسی، منتخباتی است از مخزن الانشاء که آنرا مؤلف برای شاهزاده ابوالحسن میرزا تهیه و فراهم کرده است. (۱)»

امثله

منسوب به میرسیدشریف جوزجانی (متوفی ۱۴۱۳/۸۱۶) که رساله‌ایست در علم صرف زبان عربی برای نوآموزان این زبان.

شرح امثله

شرح معروفی است از کتاب امثله فوق‌الذکر که شارح بدرستی شناخته نشده است. (۲)

حلیه المتقین

از ملا محمد باقر مجلسی (متوفی ۱۱-۱۱۱۰/۷۰-۱۶۹۹) «کتابی است در آداب مذهبی بفارسی که بواسطه سادگی بیان و سبک تحریر مورد توجه مردم واقع گردیده و در دل آنها تأثیر عمیق نموده است. (۳)»

چنانچه این کتاب جزو کتب درسی این دوره محسوب شود بناچار باید آنرا از جمله کتب درسی اواخر عصر صفوی دانست زیرا مؤلف ۲۵ سال قبل از محاصره اصفهان بدرود حیات گفته بود.

مؤلف تاریخ فرهنگ ایران نکته جالبی را مطرح کرده و مینویسد:

«انتخاب کتاب از روی قاعده معینی نبود و قوه طفل یا آسانی و دشواری کتاب

در نظر گرفته نمیشد بلکه برحسب میل اولیای طفل یا برحسب تصادف کتاب یا

۱ - تاریخ فرهنگ ایران، ص ۲۲۲

۲ - فهرست کتابخانه اهدائی و غیره، انتشارات دانشگاه تهران، شماره ۶۵۲، ص ۱۴۴

۳ - تاریخ فرهنگ ایران، ص ۲۵۶ - ۲۶۰

رساله‌ای که در خانه بود کودک بمکتب میبرد و میخواند» (۱).

حزین در تأیید نکته فوق ضمن شرح حال خود در بدایت سن و بهنگام شروع تحصیل مینویسد: «..... مرابه رسایل صرف و نحو و فقه مشغول ساختند... رساله‌ای چند از منطق تعلیم کردند...» (۲).

پیدا است چنانچه والدین کودک خود از سلسله علماء و فضلا بوده باشند «برحسب میل اولیای اطفال» رسالات متعددی در رشته‌های مختلف علوم ادبی و شرعی به کودک عرضه میشد و در غیر اینصورت مسأله انتخاب متون درسی «برحسب تصادف» انجام میگرفته است.

حزین همچنان بشرح اوقات تحصیلی خود پرداخته و مینویسد: «در هشت سالگی والد مرحوم اشارت به تجوید قرائت قرآن نمود، در خدمت مولانا ملک حسین قاری اصفهانی... دو سال قرائت نموده چند رساله در آن علم خواندم.... پس والد علامه... بتعلیم من پرداخت» (۳).

دانشمند دیگری بنام میرزا عبدالله افندی (متوفی ۱۱۳۰/۱۷۱۸) در سن شش سالگی کتاب *حرز الالهانی ووجه التهانى* معروف به *الشاطبيه* (۴) تألیف ابو محمد قاسم بن فره الشاطبی اندلوسی (متوفی ۵۹۰/۱۱۹۴) را نزد پدرش خوانده است (۵). کتاب *شاطبيه* درباره علم تجوید قرآن و قواعد و دستورات قرائت قرآن میباشد. این کتاب بزبان عربی و در ۱۱۷۳ بیت بنظم کشیده شده است و شاگردان ناگزیر از حفظ کردن آن بودند.

۱ - تاریخ فرهنگ ایران، ص ۳۶۳ - ۳۶۴

۲ - کلیات حزین، ص ۱۱

۳ - همانجا

۴ - کشف الظنون، ج ۱، ستون ۶۴۶ به بعد؛ تاریخ ادبیات عرب، ج ۱، ص ۴۰۹

تکمله، ج ۱، ص ۲۲۵

۵ - ریحانة الادب، ج ۱، ص ۹۸

زین الدین علی بن شامی معروف به شهید ثانی نیز همین کتاب را نزد يك معلم خصوصی آموخته است (۱) در اینجا ناگزیر به یادآوری از کتابهای تاریخی میباشیم مطالعه متون تاریخی در این دوره با علاقه خاصی در مکتب بشاگردان توصیه می شده است ، مخصوصاً کتابهایی که درباره سجایای اخلاقی و در مناقب حضرت علی (ع) و فرزندش امام حسین (ع) تألیف شده اند .

الثاریوس هم ذکری از این نوع کتابهای تاریخی که جزء متون درسی بوده، کرده است و مینویسد : «ایرانیها با دلچسپی خاصی کتابهای تاریخی را که درباره زندگانی علی و حسین و شرح وقایع کربلا است میخوانند و همچنین متون مذهبی و ملی راجع به تاریخ و داستانهای ملی و شرح جنگهای شاهان و سلاطین خود و نیز افسانههای پهلوانی تاریخی و سایر ملل و اقوام را دوست دارند و برای هم نقل میکنند. در اینجا از این مورخین کسانی را ذکر میکنیم مانند : میرخواند، انوری، جامی ، و بسیاری دیگر که از میان اینها مهمتر از همه میرخواند است که کتاب معروفی در تاریخ تألیف کرده است .» (۲)

منظور الثاریوس از اثر تاریخی میرخواند همان کتاب روضة الصفا اثر محمد بن بوهران الدین میرخواند (متوفی ۱۴۹۷/۹۰۲) میباشد .

روضه الصفا کتابی است تاریخی و شامل روایات و داستانها و حوادث تاریخی از خلقت آدم تا زمان مؤلف . بعد از وفات میرخواند نوه دختریش خواند میر کتاب مشهور و معتبری در تاریخ تألیف نموده است (۳) بنام حبیب السیر .

این اثر تاریخی که مؤلفش غیاث الدین خواندمیر (متوفی ۲-۹۴۱/۶-۱۵۳۴)

نام دارد شامل وقایع و حوادثی است از خلقت جهان تا اواخر سلطنت مؤسس

۱- دیحانة الادب ، ج ۲ ، ص ۳۷۰

۲- الثاریوس ، ص ۶۱۸ پیوسته

۳- هفت اقلیم ، ج ۳ ، ص ۴۲۹ و بعد

صفویه ، شاه اسمعیل اول (۱۵۰۲/۹۰۷ - ۱۵۲۴/۹۳۰) (۱)
 شاردن که از اهمیت میرخواند و اثرش روضه الصفا و همچنین از خواند میر اطلاع
 داشت چندبار از آنان یاد می کند. (۲) .
 سیاح دیگر فرانسوی ، تاورنیه ، نیز مؤلف روضه الصفا را می ستاید و کتابش
 را جزء متون تاریخی و درسی این دوره میداند . (۳)
 کتب درسی مذکور در فوق ظاهراً مقدمات علوم را به شاگردان می آموزد و
 آنها را برای ادامه تحصیل در مدارس یا تأمین معاش آماده می سازد.
 الثاریوس در همین زمینه اینطور می نویسد : «بمحض اینکه عده از شاگردان
 خواندن و نوشتن آموختند ، به کار مشغول میشوند و برخی به ادامه تحصیل
 می پردازند . (۴) »

۲ . مقررات انضباطی

الف . تنبیهات یدی

تنبیهاتی که در مکتب اجرا میشده عبارت بودند از مجازاتهای سبک همچون
 ملامت کردن ، دشنام دادن و گوش کشیدن و تنبیهات سخت که اگر نفوذ کلام معلم به
 تنهایی کافی برای برقراری نظم و انضباط آموزشی نمی بود ، از آن استفاده میشده است .

۱ - هفت اقلیم ، ج ۳ ، ص ۴۲۹ - ۴۳۰ .

۲ - شاردن ، ج ۴ ، ص ۲۱۷ - ۲۱۸ (وی در یکجا ، خواندمیر را با فردوسی طوسی
 اشتباهی گرفته است که در متن سیاحتنامه ، ناشر و مصحح آن L. Langles در پاورقی ،
 تصحیح لازم را نموده است .)

۳ - تاورنیه ؛ ج ۳ ؛ ص ۴۹ (تاورنیه ؛ روضه الصفا را Souza - el - Sapha نوشته
 و اسم کتاب را بجای نام مؤلف تصور کرده است .)

۴ - الثاریوس ، ص ۶۱۳ :

„... sie werden theils so bald sie lesen Und Schreiben
 koennen, zur Arbeit gewehnet, theils beim Schreiben und
 Studieren gelassen.“

الثاریوس در این باره مطالب جالبی در سفرنامه‌اش ذکر کرده است که برای ما قابل استفاده است. وی مینویسد: «باشاگردان مقصر نه آنطور که کودکان ما را در اروپا با چند ضربت آنهم فقط به نشیمن گاه تأدیب میکنند بلکه با ضربت‌های محکم عصا به دست و پا رفتار میشود. من شخصاً ناظر یک صحنه از اجرای این حکم بودم و دیدم که چگونه دو بچه مکتب، پای شاگرد مقصری را محکم به چوبی بسته بودند و ملای مکتب چند ضربت آنهم بسیار محکم به کف پایش میکوفت. گاهی هم دستها را بهمان نحو می‌بندند و آنقدر تازیانه بر کف دست میزنند تا خون از سر انگشت سرازیر شود. چنانچه تقصیر و خطای شاگرد یا جسارت و گستاخی وی بحدی باشد که مانع از بستن دست و پایش گردد یا احیاناً قصد سرپیچی از اجرای حکم داشته باشد آنگاه بدستور معلم چند جا از کف پا را با تیغ میبرند تا خون جاری شود و بعد روی آن نمک میپاشند.

اینطور بنظر میرسد که طبیعت و سرشت کودکان ایرانی با سرکشی و خشونت آمیخته است و چون با مجازاتهای خفیف و عادی، مطیع و سربراه نمیشوند باید با آنان بطرز وحشیانه رفتار کرد (۱)».

تنبیه اطفال در مکتب‌خانه‌ها بقدری سخت و ضمناً عمومیت داشته است که برای هر خطا و لغزشی، آنها را مجازات میکردند و همیشه و در هر زمان تعداد قابل ملاحظه‌ای از این شاگردان مقصر جزء تنبیه‌شدگان محسوب میشدند و چون معلم مکتب فرصت نداشت همه این مقصرین را فوراً بکیفر اعمالشان برساند همیشه عده‌ای باقی میماندند تا پس از پایان درس که بساط چوب و فلک مهیا گشت، به حسابشان رسیدگی شود.

الثاریوس در این زمینه نکته جالبی مینویسد: «زنان بارداری که وضع حملشان به سهولت انجام نمیگرفت و بزودی از درد زایمان فارغ نمیشدند، کسانی از

همسایگان و نزدیکانشان رهسپار نزدیکترین مکتب‌خانه میشدند و ضمن ادای احترام فوق‌العاده به مکتب‌دار، از وی تقاضا میکردند که مجازات شاگردان مقصری را که قرار است الساعه تنبیه شوند، تخفیف دهد و یا مورد عفو و بخشایش قرار دهد و یا تمام شاگردان را مرخص نماید زیرا ایرانیها عقیده دارند که درد زایمان زن حامله با استخلاص مجازات شوندگان یا آزادی پرندگان محبوس در قفس تخفیف کلی مییابد. « (۱)

اصولا تنبیهات بدی و جریمه کتبی جزء اقداماتی بوده است که بیشتر در جهت پیشرفت وضع تحصیلی شاگردان بکار میرفته است و چون توجه به علت واقعی شیطنت و بازیگوشی کودکان یا نوشتن مشق و عدم انجام تکالیف شبانه آنان مطرح نبوده و اساساً این قبیل مسائل از نظر روانشناسی تجزیه و تحلیل نمیشده است. بنا بر ضرب المثل مشهور، هر کس که نشنود باید لمس کند، تنها راه تأدیب کودکان مقصر را توسل به تنبیه بدی، تازیانه و چوب و فلک میدانستند.

ظاهر آکوچکترین اشتباه شاگردان مکتب‌خانه به هنگام تلاوت قرآن یا قرائت متون درسی یا خواندن اشعار باعصا و چوب معلم پاسخ داده میشد زیرا این اشتباه غلط را فقط ناشی از عدم توجه شاگرد میدانستند و علاج آنرا نیز فقط در ضربات چوب و تازیانه و یا ترس از تنبیه می‌پنداشتند. مع‌الوم انسانی

شاردن می‌نویسد: «بمحض اینکه معلم مکتب متوجه شود که یکی از شاگردان تکلیف درسی خود را انجام نداده است با چوب دستی که همیشه در دست دارد یا روی زانویش نهاده است چنان بر او می‌کوبد تا بوظیفه‌اش عمل نماید.» (۲)

ب - اجرای نظم میرزا محمد هاشم بن خوش حکایت ملقب به رستم الحکماء و متخلص به آصف (متوفی در حدود ۱۲۵۱/۱۸۳۵) نویسنده کتاب رستم التواریخ در شرح حال ایام تحصیل خود در مکتب آخوند ملا اسدالله در اصفهان، توصیفی از اطاق درس و

۱ - الثاریوس ، ص ۶۰۹

۲ - شاردن ، ج ۴ ، ص ۲۲۶

برقراری نظم و انضباط در بین شاگردان مکتب بدست میدهد که نقل آن در اینجا بسیار بجا و مناسب خواهد بود . وی که خود بسمت خلیفه و نایب مکتب منصوب شده بود می نویسد : «... و در آن زمان این طالب حق هفده ساله بودم و در دبستان مشغول بدرس خواندن بسودم و جانب مرحمت پناه معلم نایب و خلیفه در مدرس و مکتب بودم و تخمیناً بقدر هفتاد نفر از امیرزادگان و وزیر زادگان و عالم زادگان و کدخدا زادگان و حاجی زادگان همه با حسن و جمال همه با جاه و جلال همه با لطف و صفا همه با شرم و حیا بنده وار و سرافکننده باخفص جناح و خوف و تشویش در تحت امر و نهیم بودند و با کمال وقوف متوجه درس و مشق ایشان بودم و مرحوم معلم ده نفر از اهل مکتب را به جهة این طالب حق عمده گیرودار و زدن و بستن مقرر داشت و اینطالب حق نظامی برپا نمود که هر کدام از اطفال که بامداد درس خواندند و تا آخر روز روان ننموده باشند در وقت خواندن اگر غلط بخوانند غلطی ده چوب برپای ایشان زده شود و اگر بد بنویسند ده چوب بکف دستشان زده شود و یک تخته را به یک رویش «آمد» و یک رویش «رفت» نوشته و بدیوار آویخته از برای رفتن و آمدن اطفال به بیت الخلاء که مبادا دو نفر از عقب همدیگر بروند و فعل و انفعالی در میان ایشان واقع شود و هر وقت که به بیت الخلاء خواهند روند بانگشت کوچک اشاره نمایند و رخصت خواهند و آب اگر خواهند بنوشند بانگشت سبابه اشاره نمایند و رخصت طلبند و قدغن نمودم که در وقتی که جناب معلم حضور ندارد هر کس که داخل مکتب بشود او را بشدت بزنند و از مکتب بیرون نمایند چه اگر رفیق و مصاحب معلم باشد.» (۱)

اگرچه نویسنده کتاب تقریباً نیم قرن بعد از انقراض عصر صفوی شروع به تألیف آن نموده است ولی ذکر بعضی اصطلاحات و نکات جالب آن نشان میدهد که ظاهراً در دوره صفویه کوششهایی بعمل آمده است تا مقررات صحیح تری برای

اجرای امور انضباطی فراهم گردد. این دستورات هر چند هم بطور سنتی اجرا میشده باز معلمین و اساتید کم و بیش خود را موظف به مراعات آنها میدانستند .
 باید دانست که اصولاً احترام و تکریم و تعظیم نسبت به استاد و مدرس از وظایف حتمی طالب علم بوده است و در این خصوص روایات مذهبی بیشماری در کتابهای حدیث و سایر کتب علمی وجود دارند و آن بحثی است کاملاً جداگانه و در اینجا برای نمونه فقط بذکر روایتی از کتاب انوار النعمانیه میروم تا مقام علمی استاد بهتر روشن شود .

سید نعمت الله جزایری از مدرسین اصفهان در کتاب انوار النعمانیه مینویسد :
 « با وجود توجه خاصی که مجلسی بمن داشت هر وقت برای کارهای علمی مرا بکتابخانه خویش احضار مینمود قبل از دخول از ترس میلرزیدم و احظه‌ای چند توقف میکردم تا قوت قلبی پیدا کنم و قادر به رفتن به حضور او شوم . » (۱)

ج - تعیین مبصر

در مورد لزوم تعیین مبصر از طرف معلم و وظایف آن میتوان از کتاب منیه المرید شهید ثانی (متوفی ۵۹/۹۶۶ - ۱۵۵۸) استفاده کرد . وی در مبحث مربوط به آداب معلم مینویسد : « ان ینصب لهم نقیباً فظناً کیسایرتب الحاضرین و من یدخل علیه علی قدر منازلهم و یوقظ النائم و ینبه الغافل و یشیر الی ما ینبغی فعله و ترکه و یامر بسماع الدروس و الانصات الیهالمن لایعرف و كذلك ینصب لهم رئیساً اخر یعلم الجاهل و یعبد درس من اراد و یرجع الیه فی کثیر مما یستحی ان یلقی به العالم می مسئله او درس فان فیه ضبط الوقت العالم و صلاح الحال المتعلم . » (۲)

(نقیب زیر کی را بعنوان مبصر از میان شاگردان انتخاب کند تا حاضرین و واردین را بقدر رتبه و منزلتشان بجای خودشان بنشانند و خفتگان را بیدار کند و بیهوشان را

۱ - ادبیات ایران در عصر جدید تألیف ادوارد براون ، ص ۳۶۶ به نقل از تاریخ فرهنگ

ایران ، ص ۲۵۵

۲ - منیه المرید ، ص ۱۲۱

اعلام نماید و بعمل و ادار و از کار زشت نهی کند و دستور دهد تا درس را گوش کنند و در حضور کسی که او را نمی شناسند آرام باشند و هم رئیسی را بجهت آنان برگزینند که جاهل را دانش آموزد و اگر کسی به اعاده درس خود نیازمند است درس او را تکرار کند و هر کسی که آزمون دارد پاره ای از مسائل یا موضوع درسی را از استاد بپرسد از وی بازپرسی نماید ، زیرا انتخاب چنین شخصی بنام رئیس و مقرر درس کار استاد را مضبوط دارد و بنفع دانش آموز تمام شود بلکه اصلح به حال او باشد.) آنچه که مادر باره تعیین مبصر و سخنگوی کلاس میتوانیم استنباط کنیم اینست که اولاً این موضوع جنبه سنتی دارد و جزء آداب معلم در جلسه درس محسوب میشود ثانیاً بیشتر ارتباط به مدرسه دارد تا به مکتب .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع و مآخذ

الف - منابع اصلی (به ترتیب سنوات)

I - فارسی

- ۱ - هفت اقلیم ، تألیف امین احمد رازی (متوفی در حدود ۱۰۱۰/۱۶۰۱)
ناشر جواد فاضل ، ۳ جلد ، تهران ، بدون ذکر سال انتشار.
- ۲ - تذکره نصرآبادی ، تألیف محمد طاهر نصرآبادی اصفهانی (متوفی در حدود سال ۱۱۱۵/۱۷۰۳) ناشر وحید دستگردی ، تهران ۱۳۱۷ ه . ش .
- ۳ - کلیات حزیب ، از محمد علی لاهیجی (متوفی ۱۱۸۰/۱۷۶۶)
کانپور ، ۱۳۱۱ ه . ق .
- ۴ - رستم التواریخ ، تألیف محمد هاشم بن خوش حکایت ملقب به رستم الحکماء (متوفی در حدود ۱۲۵۱/۱۸۳۵) نسخه خطی متعلق به دانشگاه دولتی توپینگن (آلمان) Depot, Ms. Or. quart 820

II - عربی

- ۱ - منیة المرید فی آداب المفید والمستفید ، تألیف زین الدین بن علی بن احمد الشامی العاملی (متوفی ۹۶۶/۵۹ - ۱۵۵۸) ناشر ، حسن المصطفوی تبریزی ، تهران ۱۳۲۸ ه . ش ،
- ترجمه محمد باقر ساعدی خراسانی ، تهران ۱۳۷۱/۱۹۵۱
- ۲ - کشف الظنون عن اسامی الکتب والفنون ، تألیف مصطفی کاتب چلبی معروف به حاجی خلیفه (متوفی ۱۰۶۷/۱۶۵۷) ناشر ، شرف الدین یلت کایا و کیلیلی رفعت بیلگه ، دو جلد ، استانبول ۶۲ - ۱۳۶۰/۴۳ - ۱۹۴۱

III اروپائی (به ترتیب سال مسافرت به ایران)

(1631-65)

- 1- Tavernier, Jean Baptiste : Voyages de Tavernier en Turquie, en Perse et aux Indes, hrsg. von J. B.-J. Breton, 6 Bde. in 3 Teilen, Paris 1810

(1637)

- 2- Olearius, Adam : Ausfuehrliche Beschreibung der Kundbaren Reyse nach Muscow und Persien usw., Schlesswig 1663

(1665-77)

- 3- Chardin, Jean : Voyages de Chevalier Chardin en Perse, et autres lieux de l'Orient ... etc. par L. Langles, 10 Bde., Paris 1811

ب . منابع ثانوی (به ترتیب الفبا)

I - فارسی

- ۱ - تاریخ فرهنگ ایران ، تألیف دکتر عیسی صدیق ، تهران ۱۳۳۶
- ۲ - تاریخ مغول ، تألیف عباس اقبال ج ۱ ، از حمله چنگیز تا تشکیل دولت تیموری ، چاپ دوم ، تهران ، ۱۳۴۱
- ۳ - ریحانة الادب فی تراجم المعروفین تألیف محمد علی مدرس تبریزی ، ۶ جلد ، تهران / تبریز ۱۳۲۸ - ۱۳۳۵
- ۴ - فرهنگنامه های عربی به فارسی ، تألیف علینقی منزوی ، تهران ۱۳۳۷
- ۵ - فهرست کتابخانه اهدائی آقای سید محمد مشکوة به کتابخانه دانشگاه تهران ، بکوشش محمد تقی دانش پژوه و علی نقی منزوی ، جلد ۲ و ۳ ، تهران ۱۳۳۲
- ۶ - لغت نامه ، تألیف علی اکبر دهخدا ، ناشر محمد معین ، تهران ۱۳۴۳

II - اروپائی

Brockelmann, Carl : Geschichte der Arabischen Litteratur, 2 Bde. mit 3 Suppl. , Weimar - Leiden 1898 - 1942

بروکلمن ، کارل : تاریخ ادبیات عرب ، ۲ جلد با ۳ تکمله ، وایمار الیدن

۱۸۹۸ - ۱۹۴۲